

امام حسن عسگری علیه السلام:

«من به حال اهل خراسان غبطه می خورم که دانشمندی بسان فضل بن شاذان در میان

آنهاست و به او دسترسی داشته و از محضرش بهره می برند.»

«خدا فضل را رحمت کند.»

نیشابور در عصر فضل بن شاذان

فضل بن شاذان در سال ۲۶۰ وفات نموده، و چنانکه بعد از این خواهیم گفت وفات وی

به نقل مورخان در سن پیری رخ داده است. پس او حداقل هفتاد سال باید عمر نموده

باشد که از سال ۱۹۰-۲۶۰ ق. را شامل می شود.

بنابراین، ایام زندگانی فضل مصادف بود با خلافت مأمون عباسی (۱۹۸-۲۱۸) و

فرمانروایی طاهریان بر خراسان (۲۰۵-۲۵۹ ق.) و اوایل حکومت صفاریان (۲۵۴-۲۹۰ ق.).

همچنین ایام عمر وی با روزگار پنج امام بزرگوار شیعه بدین ترتیب مصادف بوده است.

حضرت امام رضا علیه السلام (۱۴۸-۲۰۳ ق.).

حضرت امام جواد علیه السلام (۱۹۵-۲۲۰ ق.).

حضرت امام هادی علیه السلام (۲۱۲-۲۵۴ ق.).

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام (۲۳۲-۲۶۰ ق.).

حضرت صاحب الزمان (ع) (متولد ۲۵۵ ق.).

فضل خدمت این بزرگواران را درک نموده و از همه آنها روایت نقل می کند. آنچنانکه بعد از این به تفصیل در این رابطه گفتگو خواهد شد.

سابقه درخشان

نسب فضل بن شاذان به قبیله «ازد» می رسد. نجاشی به این مطلب تصریح نموده و در کتاب خود در ذکر فضل بن شاذان چنین می نویسد:

«الفضل بن شاذان بن الخلیل ابومحمد الازدی النیشابوری...»

همچنین علامه حلی در کتاب «الخلاصه» می فرماید:

«الفضل بن شاذان (بالشین المعجمه و الدال المعجمه و النون) ابن الخلیل (بالحاء المعجمه) ابومحمد الازدی النیشابوری».

چنانچه ملاحظه می شود هر دو بزرگوار فضل را ازدی نسب معرفی نموده اند. و از اینجا روشن می شود که خاندان وی از قبیله ازد بوده و به نیشابور هجرت نموده اند.

کانون علم و ایمان

فضل در خاندانی دیندار و پیرو اهل بیت علیهم السلام تولد یافت. و این امر موجب گشت که وی از همان دوران کودکی با معارف دین آشنا گردد. پدر وی که یکی از حدیث شناسان عصر ائمه علیهم السلام بود برای کسب حدیث از محضر امامان شیعه علیهم السلام مسافرتهایی به عراق نمود و در سفرها فرزند خود فضل را به همراه داشت. علاوه

بر آن برادران فضل نیز از راویان اخبار و مردان دینی عصر خود بودند که یاد و نام آنها جسته و گریخته در کتابهای رجال ذکر شده است. در این دفتر، افرادی را که از خاندان

فضل بن شاذان برخاسته و به جهان اسلام خدمت نموده اند به طور مختصر معرفی می نمایم.

۱- شاذان فرزند خلیل نیشابوری: شاذان پدر فضل از اصحاب و راویان امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام می باشد. همچنین از شاگردان یونس ابن عبدالرحمن راوی معروف امام موسی بن جعفر علیه السلام است.

۲- ابوجعفر محمد بن احمد بن نعیم بن شاذان بن خلیل نیشابوری: او نوه برادر فضل بن شاذان می باشد از او به نامهای «ابی عبدالله شاذانی»، «شاذانی»، «محمد بن نعیم بن شاذان»، «محمد بن شاذان بن نعیم»، نیز یاد شده است.

۳- ابو عبدالله محمد بن شاذان: او نیز یکی از برادران فضل می باشد و از فضل بن شاذان روایت نقل می کند و نوه برادری وی ابوجعفر محمد بن احمد بن نعیم بن شاذان نیشابوری از او روایت نقل می کند.

۴- محمد بن فضل بن شاذان نیشابوری: او بزرگترین فرزند فضل می باشد و به همین جهت کنیه فضل بن شاذان «ابومحمد» بوده است.

۵- ابوجعفر محمد بن نعیم بن شاذان ملقب به حاکم: او از عموی خود ابی عبدالله محمد بن شاذان روایت نقل می کند و شیخ صدوق نیز از وی روایت نقل می کند.

۶- ابونصر قنبر بن علی بن شاذان: او برادرزاده فضل بن شاذان می باشد و از طریق پدر خود از فضل روایت نقل می کند و شیخ طوسی از طریق محمد بن علی بن حسین از وی روایت نقل می کند.

ولادت

از محل تولد فضل بن شاذان اطلاعی در دست نیست، جز اینکه با توجه به اشتها پدرش به شاذان نیشابوری، می توان حدس زد که احتمالاً تولد وی در نیشابور بوده است. همچنین سال تولد وی در کتب ضبط نشده، ولی آنگونه که از کتاب کشی بر می آید او مدتی پس از وفات هارون عباسی (۱۹۳ ق.) به همراه پدرش به بغداد آمد. پس تولد او باید قبل از این تاریخ بوده و به هنگام وفات، حداقل شصت و هفت سال سن باید داشته باشد چنانکه بعد از این بیان خواهد شد.

نام وی فضل و نام پدرش شاذان و نام جدش خلیل است. کنیه او ابومحمد و لقبش علم الدین و به ابن شاذان مشهور است.

اشتهار او به ابن شاذان و همچنین بودن نامش فضل و نام پدرش شاذان موجب گردید که با دانشمندان عصر خود که بدین لقب مشهور و با وی هم نام بودند اشتباه گردد. لذا برای

رفع هرگونه خطا و اشتباه ناچاریم دانشمندان معاصر و متأخر وی را که به نام فضل بن شاذان یا با لقب ابن شاذان مشهور بوده اند ذکر نموده و توضیحات کوتاهی پیرامون هر یک ارائه نماییم.

فضل از نگاه امام (ع)

فضل بن شاذان در عصر چهار نفر از ائمه علیهم السلام (امام رضا و امام جواد و امام هادی و امام حسن عسکری علیهم السلام) زندگی می کرد و در آن عصر رهبر شیعیان در نیشابور به شمار می آمد. چنانچه این امر از تعبیرات علما و گفته خود فضل که قبلاً نقل شد، در آن بیان کرده که بعد از هشام بن حکم و سکاک من در برابر مخالفین از شیعه دفاع می کنم، کاملاً هویدا است. این امر باعث شده که ائمه علیهم السلام در مورد وی اظهار نظر نمایند که از آن بیانات مقام و موقعیت فضل به خوبی مشخص می گردد. اغلب این روایات را دانشمندان راوی شناس و بزرگوار شیعه در کتابهای رجال خود آورده اند و ما همه را در اینجا درج نموده و پیرامون هر یک توضیحاتی را تقدیم می داریم:

۱- کشی در رجال خود از حامد بن محمد علجردی بوشنجی نقل می کند که فضل بن شاذان مردی را که «فورا» لقب داشت و از مردمان بوزجان -از حوالی نیشابور- بود به عراق خدمت امام حسن عسکری علیه السلام به عنوان نماینده ارسال داشت. «فورا» می گوید: من بر امام حسن عسکری علیه السلام وارد شدم وقتی خواستم از خدمتش خارج

شوم کتابی را که از تألیفات فضل بن شاذان بود و در پارچه ای پیچیده بودم از دستم افتاد پس حضرت کتاب را برداشت و بر آن نظر کرد پس از آن بر مؤلف آن فضل، رحمت

فرستاد و فرمود:

«اغبط اهل خراسان بمکان الفضل بن شاذان و کونه بین اظههم».

حضرت امام هادی علیه السلام:

آن حضرت در سال ۲۱۲ متولد شد و سال ۲۲۰ به امامت رسید تا در سال ۲۵۴ در سن ۴۲ سالگی به شهادت نایل آمد.

همه علمای رجال بر این نکته توافق دارند که فضل از یاران امام هادی علیه السلام بوده و از او نقل حدیث کرده است.

حضرت امام حسن عسکری (ع):

آن حضرت در سال ۲۳۲ ق. تولد یافت در سال ۲۵۴ به امامت رسید و هشتم ربیع الاول ۲۶۰ ق. شهید گردید. سال وفات آن حضرت چند ماه بعد از فوت فضل صورت گرفته

است. علمای علم رجال در اینکه فضل از یاران آن حضرت بوده اتفاق دارند. اما با توجه

به شرایط خاص حضرت امام حسن عسکری علیه السلام که همیشه تحت نظر بوده و با

توجه به پیروی فضل بن شاذان و بعد مسافت بین نیشابور و عراق فضل بن شاذان موفق

نشده مستقیماً از محضر آن حضرت کسب فیض کند و احادیث آن حضرت را با واسطه نقل می کند.

فضل در کتب حدیث و رجال

فرزانی در علم و پرهیز از امور دنیوی و اهتمام به مسائل دینی فضل بن شاذان را به مرتبه ای رسانده که همواره روایات وی و کتابهایش مورد توجه علمای شیعه باشد و علما در کتابهای خود از فضل یاد کنند. در کتب حدیثی بیش از هفتصد روایت از طریق او نقل شده است و نیز نام وی در تمامی کتب رجال شیعه بدون استثناء ذکر شده است. ما برخی

از اظهار نظرهای علمای شیعه در مورد فضل بن شاذان را با ترجمه نقل می کنیم:

کشی: او در کتاب رجال خود که اولین کتاب رجال باقی مانده از شیعه می باشد، سه صفحه را به ذکر روایات وارده در مورد فضل بن شاذان اختصاص داده و در پایان، چند روایت را که در انتقاد از وی رسیده و پاسخ گفته است.

ابوالعباس نجاشی در رجال خود در شرح حال فضل بن شاذان گوید:

«فضل بن شاذان بن الخلیل ابومحمد الازدی النیسابوری ثقه، أُجِّل اصحابنا الفقهاء و المتکلمین و له جلاله فی هذه الطائفة و هو فی قدره أشهر من أن نصفه.»

فضل بن شاذان دانشمندی است موثق و یکی از فقها و متکلمین بزرگ ما است و برای او ارزش و مقام خاصی در میان شیعه می باشد. او مشهورتر از آن است که بنخواهیم او را تعریف نمائیم.

شیخ طوسی در کتاب الفهرست، وی را با لقب فقیه و متکلم و جلیل القدر ستوده است.

علامه حلی گوید:

«و کان ثقه جلیلاً فقیهاً متکلماً له عظم شأن فی هذه الطائفة و هذا الشیخ أجل من أن یغمز علیه فانه رئیس طائفتنا رضی الله عنه».

او دانشمندی موثق و فقیه و متکلمی بزرگوار است. او در میان شیعه قدر و منزلت والایی دارد. و این شیخ بزرگتر از آن است که در موردش کوتاهی شود یا به او انتقاد وارد شود زیرا او رئیس علمای شیعه [در عصر خود] می باشد.

علامه حلی در خلاصه رجال خود گوید که ما از اخباری که در انتقاد و مذمت فضل بن شاذان وارد شده، همه را در کتاب بزرگ رجال خود جواب داده ایم.

متأسفانه این کتاب ارزشمند به دست ما نرسیده است امید که به فضل الهی روزی این اثر گرانسنگ کشف و به جامعه علمی عرضه شود.

ابن داود نیز در کتاب خود وی را با عبارت «و کان احد اصحابنا الفقهاء العظام و المتکلمین حاله أعظم من أن یشار الیها» ستوده و روایت وارده از امام حسن عسکری علیه

السلام را در موردش نقل نموده و بعد از آن گفته که برای فضل این افتخار کافی است که امام وی را مدح نموده است.

شهید قاضی نورالله شوشتري نیز در کتاب مجالس المؤمنین در ذکر شرح حال وی گوید:
«ابومحمد فضل بن شاذان بن خلیل الازدی النیسابوری از اجله شیعه نیشابور، و چون نام خود در فضل مشهور است. مبدع براهین عقلیه و موضح قوانین نقلیه است در حقایق مذهب حق امامیه ماهر بود و دقایق اصول آن طایفه علیه بر طبع نکته دانش ظاهر و باهر در کتاب خلاصه و کتاب نجاشی مذکور است.»

ابن فوطی نیز در کتاب مجمع الآداب فی معجم الالقاب در مورد فضل بن شاذان گوید:
«علم الدین الفضل بن شاذان بن خلیل النیسابوری الفقیه، کان من الفقهاء العلماء و له کتاب الايضاح فی الامامه.»

از این عبارت، آنچنان که محدث ارموی فرموده معلوم می گردد که لقب فضل، علم الدین و کتاب ایضاح مشهورترین کتاب وی بوده است.

استادان

فضل بن شاذان بسیاری از راویان عصر خویش را در عراق ملاقات کرده و از آنها حدیث فرا گرفته است. خود در این مورد گوید:

«أَنَا خَلَفُ لِمَنْ مَضَى، أَدْرَكْتُ مُحَمَّدَ بْنَ أَبِي عَمِيرٍ وَ صَفْوَانَ بْنَ يَحْيَى وَ غَيْرَهُمَا، وَ حَمَلْتُ عَنْهُمْ مِنْدَ خَمْسِينَ سَنَةً وَ مَضَى هِشَامُ بْنُ حَكَمٍ رَحِمَهُ اللَّهُ وَ كَانَ يُونُسُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ خَلْفَهُ كَانَ يَرِدُ عَلَى الْمُخَالَفِينَ، ثُمَّ مَضَى يُونُسُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ وَ لَمْ يَخْلَفْ خَلْفًا غَيْرَ السَّكَاکِ، فَرَدَّ عَلَى الْمُخَالَفِينَ حَتَّى مَضَى رَحِمَهُ اللَّهُ، وَ أَنَا خَلَفْتُ لَهُمْ مِنْ بَعْدِهِمْ رَحِمَهُمُ اللَّهُ.»

من وارث علمی علمای پیشین می باشم و محضر محمد بن ابی عمیر و صفوان بن یحیی و دیگر راویان را درک نموده ام و اکنون قریب پنجاه سال است که از آنها روایت نقل می

کنم. بعد از هشام بن حکم، یونس بن عبدالرحمن جانشین او بود و از شیعه در مقابل مخالفین دفاع می نمود و بعد از وی سکاکی جانشین او بود و از شیعه دفاع می کرد، تا اینکه سکاکی هم فوت نموده و الآن من بازمانده پیشینیان می باشم.

فضل بن شاذان تعدادی از اصحاب اجماع را درک نموده است او از اصحاب اجماع، از شاگردان امام صادق علیه السلام، محضر حماد بن عیسی و از شاگردان امام رضا علیه السلام غیر از عبدالله بن مغیره محضر پنج نفر دیگر را درک نموده است.

کسانی که استاد فضل بن شاذان بوده و با وی از آنها حدیث نقل می کند عبارتند از:

۱- شاذان بن خلیل نیشابوری: -پدر فضل- که فضل در موارد بسیاری از وی روایت نقل می کند. شاذان چنانکه قبلاً بیان شد خود از اصحاب امام رضا علیه السلام بوده است.

۲- ابو محمد حماد بن عیسی جهنی کوفی بصری (متوفی ۲۰۹ ق.):

او از اصحاب امام صادق و امام کاظم و امام رضا علیهم السلام می باشد و در طبقه دوم از اصحاب اجماع به شمار می آید.

۳- ابواحمد محمد بن ابی عمیر ازدی بغدادی: او از اصحاب امام کاظم و امام رضا و امام جواد علیهم السلام و همچنین از اصحاب اجماع می باشد. جلالت قدر او و منزلتش

در نزد ائمه علیهم السلام بر کسی پوشیده نیست. فضل بن شاذان از وی دو نکته را یاد می کند و کشی در رجال خود ذکر نموده و دارای اهمیت می باشند که عبارتند از:

علی بن محمد قتیبی شاگرد فضل بن شاذان گوید که او گفت: پدرم از محمد بن ابی عمیر سؤال نموده که شما تعدادی از راویان اهل سنت را درک نمودید چطور از آنها روایت نقل نمی کنید؟ او در جواب گفت: من از علمای عامه روایات زیادی را یاد گرفته ام اما

چون دیدم که بسیاری از علمای ما از علمای عامه حدیث یاد می گیرند و از علمای خودمان نیز حدیث یاد می گیرند، بعد احادیث آن دو دسته را با هم مخلوط می کنند، پس من خوشم نیامد تا از احادیث عامه نقل کنم و راویان را با احادیث شیعه مخلوط نمایم.

۴- ابو محمد صفوان بن یحیی بجلی کوفی: او از اصحاب امام کاظم و امام رضا علیهم السلام و همچنین از اصحاب اجماع می باشد.

۵- احمد بن محمد بن ابی نصر بزندی (متوفای ۲۲۱ ق.): از اصحاب امام کاظم و امام رضا و امام جواد علیهم السلام و از اصحاب اجماع می باشد.

۶- ابوعلی حسن بن محبوب سراد کوفی: از اصحاب امام کاظم و امام رضا علیهم السلام و از اصحاب اجماع می باشد.

۷- ابو محمد حسن بن علی بن فضال کوفی (متوفای ۲۲۱ ق.): فضل بن شاذان از وی چند کتاب از جمله کتاب ابن بکیر را درس گرفته است. او ابتدا فطحی مذهب بود بعداً از آن عقیده برگشت، علمای رجال همه به ثقه بودن وی شهادت داده اند.

۸- ابوالفضل نصر بن مزاحم منقذی تمیمی کوفی (متوفای ۲۱۲ ق.): او از یاران امام جواد علیه السلام می باشد و مؤلف کتابهای جمل، صفین و نهروان است. کتاب صفین

وی با نام «وقعه الصفین» به چاپ رسیده و از منابع تاریخی معتبر جنگ صفین به شمار می رود.

۹- ابوسلیمان داود بن کثیر رقی کوفی: از اصحاب امام صادق و امام کاظم علیهم السلام.

۱۰- محمد بن جمهور عمی: از اصحاب امام کاظم علیه السلام، عده ای از علمای رجال

مانند کشی و نجاشی ثقه بودن او را قبول ندارند.

۱۱- ابوجعفر بصری: از اصحاب امام جواد علیه السلام.

۱۲- اسماعیل بن سهل کاتب دهقان.

۱۳- ابوداود سلیمان بن سفیان المسترق (متوفای سال ۲۳۱ ق.): از اصحاب امام صادق و

امام کاظم علیهم السلام می باشد.

۱۴- عمار بن مبارک: از اصحاب امام صادق علیه السلام.

۱۵- ابوعمر و عثمان بن عیسی عامری کلابی از اصحاب امام کاظم و امام رضا علیهم

السلام، او از واقفیان می باشد، علمای رجال، احادیث وی را قبول دارند.

۱۶- فضاله بن ایوب ازدی اهوازی از اصحاب امام کاظم علیه السلام.

۱۷- علی بن حکم بن زبیر انباری کوفی از اصحاب امام جواد علیه السلام

۱۸- ابراهیم بن عاصم

۱۹- ابوهاشم داود بن قاسم جعفری بغدادی از اصحاب امام رضا و امام جواد و امام

حسن عسکری علیهم السلام.

۲۰- ابومحمد قاسم بن عروه از اصحاب امام صادق علیه السلام، وفات او در عراق اتفاق افتاده است.

۲۱- ابن ابی نجران از یاران امام کاظم و امام جواد علیهم السلام.

فضل بن شاذان سالیان زیادی از محضر این حدیث شناسان و دیگران خوشه چینی نمود و بعد از آن به وطن خود نیشابور برگشت، وجود او در نیشابور دژ محکمی برای شیعیان شد. او در نیشابور به ترویج مذهب شیعه اثنی عشری پرداخت و شاگردان چندی را تربیت نمود.

شاگردان

۱- محمد بن فضل بن شاذان نیشابوری

۲ و ۳- محمد شاذان و علی بن شاذان

۴- ابوعبدالله محمد بن نعین بن شاذان

۵- ابوالحسن علی بن محمد بن احمد بن قتیبه نیشابوری

۶- سهل بن بحر فارسی

۷- ابوعلی احمد بن یعقوب بیهقی

۸- حامد بن محمد ازدی عالجرودی بوسنجی

۹- محمد بن اسماعیل بندقی نیشابوری

۱۰- بوق بوشنجانی

راویان

۱- سند شیخ صدوق: او در پایان کتاب من لا یحضره الفقیه در ذکر سند احادیث روایت

شده در کتابش گوید:

و ما کان فیہ عن الفضل بن شاذان من العلل الی ذکرها عن الرضا فقد رویتہ عن

عبدالواحد بن عبدوس نیشابوری العطار رضی اللہ عنہ، عن علی بن محمد بن قتیبه، عن

الفضل ابن شاذان النیشابوری، عن رضا علیہ السلام.

۲- سند «کشی» او از فضل از طریق ابوعبدالله شاذانی و علی بن محمد قتیبه نیشابوری

روایت می کند و چون خود از علمای رجال است همین نقل وی می تواند قابل توجه

باشد و دلیلی برای توثیق آنها محسوب گردد.

۳ و ۴- سند شیخ طوسی و شیخ کلینی: شیخ طوسی در پایان تهذیب در بیان اسناد

روایت های خود گوید:

«و من جمله ما ذکر تدعن الفضل بن شاذان ما رویتہ بهذه الاسانید عن محمد بن یعقوب

عن علی ابراهیم عن ابیه و محمد بن اسماعیل عن الفضل بن شاذان».

جهاد با قلم

ابن شاذان گنجینه ای از علوم اهل بیت علیهم السلام را در سینه داشت و با معارف فراوانی که از محضر ائمه علیهم السلام اندوخته بود، برای نشر علوم دینی و دفاع از حریم

تشیع تألیفات زیادی به رشته تحریر در آورد. اکثر نویسندگان کتب تراجم، او را به داشتن مصنفات زیاد، یاد نموده اند.

اغلب این نوشته ها در تندباد حوادث و رخدادهای تاریخی از بین رفته اند. آنچه از این آثار گرانقدر و پربها به دست ما رسیده بیش از چند کتاب نمی باشد. نام تألیفات فضل بن شاذان در کتاب فهرست شیخ طوسی یاد شده است.

شیخ طوسی در این کتاب سی و یک جلد از تألیفات فضل را نام می برد و در پایان می گوید:

«و له غیر ذلک مصنفات کثیره لم تعرف أسماؤها»

برای فضل تألیفات زیادی وجود دارد که نامشان شناخته نشده است.

تألیفات فضل

۱- کتاب العروس و هو کتاب العین

۲- کتاب الوعید

۳- الاستطاعه

۴- مسائل فی العلم

۵- الأعراض و الجواهر

۶- كتاب العلل

۷- كتاب الايمان

۸- اثبات الرجعه

۹- كتاب الرجعه فى الحديث

۱۰- تبيان اصل الضلاله

۱۱- التوحيد فى كتب الله

۱۲- كتاب الوعد و الوعيد

۱۳- محنه الاسلام

۱۴- كتاب السنن

۱۵- اربع مسائل فى الامامه

۱۶- الفرائض الكبير

۱۷- الفرائض الصغير

۱۸- الفرائض الاوسط

۱۹- كتاب المسح على الخفين

۲۰- کتاب الطلاق

۲۱- مسائل البلدان

۲۲- کتاب اللطيف

۲۳- کتاب القائم عليه السلام

۲۴- الملاحم

۲۵- کتاب الحذو النعل بالنعل

۲۶- کتاب الامامه

۲۷- کتاب فضل امير المؤمنين عليه السلام

۲۸- معرفه الهدى و الضلاله

۲۹- التعرى و الحاصل

۳۰- الخصال فى الامه

۳۱- المعيار و الموازنه

۳۲- النجاح فى عمل شهر رمضان

۳۳- النسبه و الثنويه

۳۴- النقض على الاسكافى فى تقويه الجسم

۳۵- الرد علی الباطنیه القرامطه

۳۶- کتاب الرد علی اهل التعطیل

۳۷- رد بر محمد بن کرام

۳۸- رد بر احمد بن حسین

۳۹- الرد علی یمان بن الرباب

۴۰- رد بر فلاسفه

۴۱- رد بر مرجئه

۴۲- رد بر حشویه

۴۳- رد بر ثنویه

۴۴- رد بر غالیات محمدیه

۴۵- کتاب رد بر اصم

۴۶- کتاب رد بر منائیه

۴۷- رد بر ابی عبید در طلاق

۴۸- رد بر بائسه

۴۹- رد بر حسن بصری در تفضیل

کتاب های دیگر

۵۰- کتاب المتعتین متعه النساء و متعه الحج

۵۱- کتاب الحسنی

۵۲- کتاب الرد علی المثلثه

۵۳- الدیباچ

۵۴- کتاب المسائل و الجوابات

۵۵- الیوم و اللیله

آثار موجود

۵۶- الايضاح: اولین کسی که این کتاب را از تألیفات فضل بن شاذان شمرده، کمال الدین

عبدالرزاق بن تاج الدین احمد معروف به ابن فوطی (متوفای ۷۲۳ق.) می باشد. او در

کتاب نفیس خود «تلخیص مجمع الآداب فی معجم الالقاب» می نویسد:

«علم الدین الفضل بن شاذان بن الخلیل النیسابوری الفقیه، کان من الفقهاء العلماء، و له

کتاب الايضاح فی الامامه».

۵۷- العلل: نسخه اصلی این کتاب در دست نیست. ولی خوشبختانه شیخ صدوق تمامی مطالب آن را در کتاب «علل الشرایع» و «عیون اخبار الرضا علیه السلام» مندرج ساخته است.

۵۸- کتاب غیبت

۵۹- مجالس فضل بن شاذان با اهل خلاف

پاسداری از حریم تشیع

فضل بن شاذان با توجه به ذکاوتی که داشت و روایاتی که از محضر ائمه علیهم السلام

استفاده نموده و اساتیدی که نزد آنها تحصیل کرده بود بعد از بازگشت به خراسان، دژ

محکمی برای شیعیان در مقابل مخالفین بود. در برابر تهاجم از آنان دفاع می نمود. طبق

نقلی که از وی ذکر شد جانشین علمای گذشته چون محمد بن ابی عمیر و صفوان بن

یحیی است که پنجاه سال از محضر آنها استفاده کرده است، وی بعد از هشام بن حکم و

یونس بن عبدالرحمن و سکاک که از متکلمین شیعه بودند و از تشیع دفاع می نمودند، از

حریم تشیع پاسداری کرده است.

مناظرات فضل

فضل بن شاذان فقیهی آگاه و متکلمی زبردست بود، او در میدانهای مبارزه و استدلال با

مخالفین با ادله قوی از حقانیت شیعه دفاع نموده و مظلومیت اهل بیت علیهم السلام را به

اثبات رسانید. متأسفانه از مناظرات وی اثری مستقل باقی نمانده است. تعدادی از این مناظرات را شیخ مفید در «مجالس» خود ذکر و به آنها اعتماد نموده است. بعد از شیخ

مفید نیز سید رضی در کتاب «الفصول المختاره» پنج مورد از این مناظرات را به نقل از «المجالس» شیخ مفید آورده است. این موارد بخوبی از معتبر بودن استدلالهای فضل در نزد علمایی نظیر شیخ مفید و سید مرتضی حکایت دارد. و همچنین قدرت بیان و استواری اندیشه فضل را می رساند.

ظهور امام زمان (عج)

فضل بن شاذان چون می دانست که شیعیان همیشه منتظر ظهور و فرج حضرت صاحب هستند و این امر ممکن است بهانه سودجویی عده ای شیاد گردد و برای اهداف و اغراض خاصی وقت معینی را برای ظهور آن حضرت شایع سازند، لذا در کتاب خود احادیث زیادی را از ائمه علیهم السلام در نهی از تعیین وقت برای ظهور آن حضرت نقل نموده است از جمله آنها این حدیث است:

«فضل بن شاذان، عن احمد بن محمد و عبیس عن کرام بن الفضیل:

قال سئلنا ابا جعفر علیه السلام: هل لهذا الامر وقت؟ فقال علیه السلام: كَذِبَ الْوَقَاتُونَ، كَذِبَ الْوَقَاتُونَ، كَذِبَ الْوَقَاتُونَ».

فضل گفت از امام محمد باقر علیه السلام پرسیدیم که آیا وقت معینی برای این امر (ظهور حضرت صاحب الامر عج) هست؟ امام سه مرتبه پشت سر هم فرمودند: دروغ می گویند، آنها که وقت خاص مشخص می کنند.

فضل بن شاذان عن حسین بن یزید الصحاف عن منذر الجواز عن عبی عبدالله علیه السلام «قال: كَذِبَ الْمُؤَقَّتُونَ، ما وَقَّتْنَا فیما مَضَى و لا نُؤَقِّتُ فیما یَسْتَقْبِلُ».

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: دروغ گفتند کسانی که وقت برای ظهور قرار دادند. ما در گذشته برای این امر وقت قرار ندادیم و در آینده نیز وقت قرار نخواهیم داد.

فضل بن شاذان به سند خود حدیث مفصلی را از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله روایت نموده و در پایان این حدیث چنین آمده:

«قال (سلمان): متى يظهر يا رسول الله؟ قال (ص): لا يعلم ذلك الا الله، و لكن لذلك علامات، منها نداءٌ مِنَ السَّماءِ و خَسْفٌ بِالْمَشْرِقِ، و خَسْفٌ بِالْمَغْرِبِ و خَسْفٌ بِالْبَيْداءِ».

چند نمونه از این احادیث عبارتند از:

«فضل بن شاذان باسناده عن ابن عباس قال: قَدِمَ يَهُودَى الى رسول الله صلى الله عليه و آله يقال له نَعْتَلُ... فقال فاخبرني عن وصيكَ مَنْ هو؟ فما من نبى الا و له وصى و ان نبينا موسى بن عمران اوصى الى يوشع بن نون».

فقال (ص): نعم، إنَّ وصيِّي و الخليفة من بعدى على بن ابى طالب و بعده سبطاى الحسن

و الحسين، يتلوه تسعةً من صلب الحسين، ائمة ابرار.

قال: فسمهم لى يا محمد (صلى الله عليه و آله).

قال نعم اذا مضى الحسين فابنه على فاذا مضى على فابنه

محمد، فاذا مضى محمد فابنه جعفر، فاذا مضى جعفر فابنه

موسی، فاذا مضى موسی فابنه علی، فاذا مضى علی فابنه

محمد، فاذا مضى محمد فابنه علی، فاذا مضى علی فابنه

الحسن، و بعد الحسين الحجّه بن الحسن بن علی، فهذه اثنا عشر اماماً علی عدد نقباء بنی اسرائیل».

ابن شاذان به سند خود از ابن عباس نقل می کند که مردی یهودی که نعتل نام داشت خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و سئوالاتی کرد در پایان این سئوال را از حضرت نمود:

یا محمد وصی تو کیست؟ زیرا که هیچ پیامبری بدون وصی نبوده همچنان که پیامبر ما موسی به یوشع بن نون وصیت کرد.

حضرت فرمودند: بلی، بدرستی که وصی و خلیفه بعد از من علی بن ابی طالب است و بعد از او دو نوه من حسن و حسین و بعد از آنها نه تن از نسل حسین علیه السلام وصی

من هستند که امامان نیکوکارند.

نعتل گفت: نام ایشان را از برایم ذکر کن:

حضرت فرمودند: بعد از حسین فرزندش علی وصی و خلیفه او باشد و بعد از علی

فرزندش محمد و بعد از محمد فرزندش جعفر و بعد از او فرزندش موسی و بعد از او

فرزندش علی و بعد از او فرزندش محمد و بعد از او فرزندش علی و بعد از وی
فرزندش حسن و بعد از وی فرزندش حجه بن الحسن بن علی وصیای منند و ایشان
دوازده امامند به عدد نقبای بنی اسرائیل.

سفر به جهان ابدی

قریب پنجاه سال زندگی فضل بن شاذان سال مصادف با حکومت طاهریان بر خراسان
بود. عبدالله بن طاهر که سرسلسله طاهریان بود مرکز حکومت خود را در نیشابور قرار
داد. او از سران لشکر مأمون بود. و یکی از شاهدان عهدنامه ولایتعهدی امام رضا علیه

السلام همین عبدالله بن طاهر است که در سال ۲۰۱ق. آن را تأیید نموده است. عبدالله در
سال ۲۱۳ق. بر مسند حکومت در نیشابور تکیه زد. او در نیشابور فضل بن شاذان را به
دلیل تشیع وی احضار و بعد از سؤال و جوابهایی دستور تبعید وی را صادر نمود. آنچه
مسلم است فضل پس از تبعید از نیشابور در خراسان بسر می برد. اما محل دقیق سکونت
وی مشخص نیست.

عبدالله بن طاهر تا سال ۲۳۰ق. حکمرانی بر نیشابور و حوالی آن را در اختیار داشت، بعد
از وی طاهر ثانی از سال ۲۳۰ تا ۲۴۸ و بعد از وی محمد بن طاهر از سال ۲۴۸ تا ۲۵۹ از
سلسله طاهریان بر آن ناحیه حکومت کردند در سال ۲۵۹ صفاریان پیشروی خود را به
سوی خراسان و نیشابور شروع نمودند که در نهایت هجوم آنان منجر به براندازی

طاهریان گردید. آنها همین سال دامنه فتوحات خود را به بیهق (سبزوار) رسانیدند، در همین ایام فضل بن شاذان در بیهق بود. او که می دانست رفتار صفاریان با وی به مراتب

بدتر از طاهریان خواهد بود، با اینکه در سن پیری قرار داشت بار سفر را بر بست و بناچار از آن شهر خارج شد فرار در سن پیری و سفر در حالت اضطرار که حتماً به صورت مخفی صورت می گرفت موجب گردید که فضل به شدت ضعیف گردد و در نهایت به بستر بیماری افتد. قرائنی در دست است که او چند ماهی بعد از خارج شدن از بیهق در حالت بیماری در نیشابور بوده است.

«کشی از وراق سمرقندی نقل می کند که او گفت من برای سفر حج از شهر خود خارج شدم و بورق بوسنجانی را که از هم مسلکان ما بود ملاقات کردم پس صحبت از فضل بن شاذان به میان آمد، او گفت فضل شدیداً مریض است».

باید توجه داشت که خارج شدن برای سفر حج آن هم از شهری مثل سمرقند و نیشابور در زمانهای سابق حداقل چهار تا پنج ماه قبل از موسم حج صورت می گرفت. پس می

توان از این نقل به دست آورد که فضل چند ماه قبل از ذی حجه سال ۲۵۹ در بستر بیماری بوده است.

بورق می گوید: بعد از حج وارد شهر «سامرا» شدم تا امام حسن عسکری علیه السلام را ملاقات نمایم. نزد آن حضرت سخن از فضل پیش آمد و حضرت امام علیه السلام برای وی طلب رحمت کرد.

بورق می گوید: چون به شهر نیشابور برگشتم متوجه شدم که فضل در همان ایام که امام بر وی رحمت فرستاده، فوت کرده است. اگر مسافرت بورق بعد از انجام مراسم حج به سامرا یک ماه طول کشیده شده باشد روشن می شود که فضل در ماه محرم سال ۲۶۰ق. به رحمت خدا رفته است.

علاوه بر آن، کشی از نامه ای بحث می کند که جعل کنندگان ناشیانه آن را جعل کرده و مدعی شدند که آن از طرف امام حسن عسکری علیه السلام صادر شده است. حال آن که زمان صدور نامه امام علیه السلام بر طبق نظر آنها، دو ماه پس از فوت فضل بوده است ولی از آنجا که در نامه فوق به زنده بودن فضل تصریح شده است، جعلی بودن نامه کشف می شود. از این نقل روشن می شود که حضرت امام حسن عسکری علیه السلام حداقل

دو ماه بعد از فضل بن شاذان در قید حیات بوده که جاعلین نامه ای را بدو نسبت داده اند و می دانیم که شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در ۸ ربیع الاول سال ۲۶۰ق. رخ داده است. این هم مؤید آن است که فضل در ماه محرم از دنیا رفته است.

خلاصه سخن آنکه فضل، بعد از سالیان دراز خدمت و کوشش در راه بسط مذهب شیعه اثنی عشری و دفاع از حریم اهل بیت و تحمل سختیهای فراوان از طرف مخالفان در محرم سال ۲۶۰ق. از این سرای پرفریب، رخت عافیت به سرای جاوید کشید.

جنازه اش توسط شیعیان نیشابور تشییع شد و شاگردش ابوعلی احمد بن یعقوب بیهقی بر وی نماز گزارد و در شهر نیشابور به خاک سپرده شد.

آرامگاه فضل از همان زمان مورد توجه شیعیان قرار گرفت به طوری که اکنون پس از گذشت دوازده قرن از آن تاریخ هنوز پابرجا و زیارتگاه عاشقان است. این آرامگاه در

جنوب شرقی نیشابور به فاصله هفت کیلومتری از نیشابور در باغی وسیع قرار دارد که امروز به «بهشت فضل» مشهور است و هم اکنون گنبد و بنایی بر روی آن موجود است.

بنای مذکور تمامی از آجر ساخته شده و در نمای خارجی آن هیچ گونه تزیینی به کار نرفته است. گنبدی که بر فراز بقعه است دارای پوششی از کاشی است. بنای مزبور به طور مکرر مرمت شده و نشانی از معماری قدیم در آن دیده نمی شود.

بر روی مزار فضل کتیبه ای نقش بسته که نشانگر مراتب فضل و علم وی می باشد. عبارتهای نقش بسته بر آن چنین است:

«هذا ضريح النحرير المنعال و النبيل المفضل ذی العز و الاجلال، شمس ذوی البسائط و الافضال المؤسس الممهد لعلم الکلام القائم بالقسط لاقامه البراهین لاهتداء الانام، الراوی

عن الامین، ابی الحسن علی بن موسی و ابی جعفر الثانی علیهما السلام زبده الرواه و نخبه الهداه و قدوه الاجلاء المتکلمین و اسوه الفقهاء المتقدمین الشیخ العلیم الجلیل الفضل بن

شاذان بن الخلیل طاب ثراه، قد وصل بلقاء ربه فی سنه ۲۶۰هـ.ق.

«باغ فضل» اینک زیارتگاه ارباب دل است و پیرامونش مقبره خانوادگی نیشابوریان است.